



حذف ایران از عراق

ترامپ می تواند پای ایران را از بغداد قطع کند

آنچه در این ستون می خوانید، دیدگاه های رسانه های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع رسانی منتشر می شود و این دیدگاه ها موضع روزنامه «هم میهن» نیست.



سه کشور اروپایی باید جدی دست به کار شوند

سال ۲۰۲۵ سال بسیار مهم برای برنامه هسته ای ایران و منطقه خاورمیانه است. اگر راهکاری برای خروج از بحران پیدا نشود، ممکن است ایران به سرعت به سمت تسلیحاتی سازی برنامه هسته اش برود، یا مورد حمله قرار گیرد، یا هر دو. سه قدرت اروپایی (آلمان، بریتانیا و فرانسه) و اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۳، که برای نخستین بار مذاکرات را در دست گرفتند و بین ایران و آمریکا برای کاهش تنش میانجی گری کردند، به شدت تلاش کرده اند تا از وقوع هر یک از این خروجی ها جلوگیری کنند. سه قدرت اروپایی و اتحادیه اروپا بیش از یک دهه است که نقش کلیدی در پل سازی بازی کردند که نهایتاً منجر به امضای برجام شد. وقتی دونالد ترامپ سال ۲۰۱۸ از برجام خارج شد، سه قدرت اروپایی و اتحادیه اروپا به حفظ و زنده نگه داشتن آن متعهد ماندند و امیدوار بودند بتوانند مشوق های کافی به ایران بدهند که تهران هم به برجام متعهد بماند. به رغم این تلاش ها، ایران اجرای تعهداتش را سال ۲۰۱۹ متوقف کرد. از آن زمان هر آنچه اتفاق افتاده است به سمت تشدید تنش بوده است. روابط دوجانبه میان ایران و کشورهای اروپا از آن زمان به صورت پیوسته بدتر شده است. اعتماد دوجانبه کاهش یافته است و بعد از ارائه سلاح های ایرانی به روسیه در جنگ علیه اوکراین، تنش ها افزایش پیدا کرد. با این حال برای دو طرف هیچ راهی بهتر از بازگشت به تعامل و تلاش برای بازسازی اعتماد از طریق یک توافق قابل راستی آزمایی تقویت شده وجود ندارد. امروز ایران مذاکره با ایالات متحده آمریکا را تسلیم شدن در قبال سیاست فشار حداکثری دونالد ترامپ تلقی می کند؛ مسئله ای که ایران هرگز حاضر به پذیرش آن نیست. اما ایران خواستار درگیری نظامی هم نیست و شرایط اقتصادی آن به شدت وخیم است. آنچه تهران می خواهد پیش از هر چیز مرتفع شدن بلندمدت تحریم ها، جلوگیری از بازگشت تحریم های شورای امنیت و اجتناب از حملات اسرائیل است اما اگر راهی برای خروج بحران پیدا نشود، ایران درست مانند سال های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ نسبت به سیاست فشار حداکثری انتقام جویی خواهد کرد. برای سه قدرت اروپایی و اتحادیه اروپا، ساده نیست که بتوانند عزم سیاسی کافی برای این کار اختصاص دهند. ذهن این کشورها به شدت مشغول مذاکرات ترامپ با روسیه برای پایان دادن به جنگ اوکراین، تلاشش برای زیر و رو کردن معماری امنیت اروپا و سیاست های تجاری مبتنی بر تعرفه است اما ناتوانی در اقدام باعث می شود که چالش های بسیار بزرگتر امنیتی ایجاد شود. آمریکا ممکن است سیاستی را در قبال ایران در پیش بگیرد که هیچ مشورتی در مورد آن از اروپایی های گرفته نشده باشد و در عوض روسیه به عنوان میانجی آن تعیین شده باشد. ایران همین حالا هم مذاکراتی مجزا را با روسیه و چین در مورد پرونده هسته ای آغاز کرده است. با توجه به اینکه ترامپ آمریکا را از برجام خارج کرد، تهران نمی تواند با مقام های آمریکایی رودررو مذاکره کند. ادعاهای ترامپ مبنی بر آمادگی او برای مذاکره یک توافق جدید و نامه او به رهبر معظم ایران، از سوی ایران با واکنش منفی مواجه شد. چراکه این ادعاها درست همزمان با اجرای سیاست فشار حداکثری بیان می شد. اینجا دقیقاً همان جایی است که کشورهای اروپایی می توانند ایفای نقش کنند. نمایندگان اروپا تاکنون سه دوره از نوامبر ۲۰۲۴ تا فوریه ۲۰۲۵ با مقام های ایرانی در مورد دستورکار مذاکرات مستقیم، گفت و گو کرده اند. کشورهای اروپایی همین حالا هم در جایگاه بسیار مناسبی برای احیای نقش تاریخی خودشان به عنوان میانجی میان ایران و ایالات متحده آمریکا دارند. اروپایی ها با توجه به تجربه چندین دهه ای که تعامل با ایران با پیدا کردن زمینه های مشترک با آمریکا می توانند مذاکرات جدیدی را برای یک توافق جدید کلید بزنند. روابط مستحکم آنها با اسرائیل و کشورهای عربی خلیج فارس هم می تواند کمک کند که این توافق جدید با استقبال از سوی کشورهای منطقه مواجه نشود. دور جدید مذاکرات با سه کشور اروپایی این خفته آغاز می شود. اروپایی ها برای اینکه مذاکرات را از وضعیت کنونی خارج کنند، باید بتوانند یک جدول زمان بندی منظم برای رسیدن به یک توافق پیش از تاریخ انقضای مکانیسم استنبیح ایجاد کنند و به صورت گسترده مذاکرات و مشوق های روی میز را تعیین کنند. سه قدرت اروپایی باید قاطعانه عمل کنند. وضعیت جایگزین، تشدید تنش اتمی و یا نظامی است که باعث می شود شرایط امنیتی وخیم اروپایی ها از این هم پیچیده تری بی ثبات تر شود.

این مقاله توسط پژوهشگران یک اندیشکده آمریکایی نوشته شده است و دیدگاه های نقل شده در آن نشان دهنده دیدگاه های آمریکایی نسبت به روابط ایران و عراق است. هدف از ترجمه و نشر این مقاله آشنایی با نگاه طرف آمریکایی به روابط ایران و عراق و دیدگاه اندیشکده های غربی نسبت به نفوذ ایران در عراق است. این مقاله نشان دهنده برنامه های سیاست مداران آمریکایی در گستره نفوذ ایران است. مسلماً آنچه در این مقاله آمده است بازتاب دهنده دیدگاه روزنامه هم میهن نیست.

مایکل نایت - حمدی مالک

پژوهشگران اندیشکده موسسه واشنگتن برای سیاستگذاری خاور نزدیک

ایران درست از زمان انقلاب در سال ۱۹۷۹ تاکنون شبکه ای از دوستان و گروه های نیابتی در منطقه خاورمیانه گرد هم آورده است. برای سالیان دراز این استراتژی موفق عمل می کرد. «محور مقاومت» ایران به تدریج اما با قاطعیت توانست در عراق، لبنان و سوریه نفوذ چشمگیری کسب کند. این گروه ها در این نقاط با اسرائیل و آمریکا مقابله می کردند. سپتامبر ۲۰۱۴ شبه نظامیان حوثی تحت حمایت ایران بزرگترین شهر یمن را تصرف کردند. چندی بعد از این بود که یک نماینده مجلس ایران با افتخار مدعی شد که ایران چهار پایتخت عربی را کنترل می کند: بغداد، بیروت، دمشق و صنعاء. اما تحولات یک سال گذشته باعث شده است که نظم منطقه ای کاملاً بر هم بخورد. امروز ایران تا حد زیادی کنترل خود را بر دو پایتخت از چهار پایتخت عربی مذکور از دست داده است. جنگ اسرائیل علیه لبنان، آسیب زیادی به حزب الله لبنان، گروه شبه نظامی تحت حمایت ایران که بر بیروت سلطه داشت، وارد کرد. در ماه دسامبر ۲۰۲۴ نیروهای اهل سنت تحت حمایت ترکیه کنترل دمشق را از اختیار نظام بشار اسد، متحد ایران که نزدیک به نیم قرن کنترل سسوریه را بر عهده داشت، خارج کردند. حالا جمهوری اسلامی نگران این است که یک دومینوی دیگر هم اتفاق بیافتد. عراق محتمل ترین جایی است که ممکن است این اتفاق برای ایران تکرار شود. نیروهای امنیتی در یمن و ایران به اندازه کافی به نظر قدرتمند می رسند که بتوانند کنترل جمعیت های شان را حفظ کنند اما وابسته های ایران در عراق کم کم مضطرب شده اند. شبه نظامیان عراقی تحت حمایت ایران به صورت پیوسته در طول سال ۲۰۲۴ به نیروهای آمریکایی و اهداف اسرائیلی حمله کردند و در ماه مارس ۲۰۲۴ در یک حمله پهنای سه نظامی آمریکایی را کشتند اما آنها از ماه دسامبر تاکنون حمله ای انجام نداده اند که نشان می دهد بیش از پیش نگران این شده اند که ممکن است توجه واشنگتن را به خود جلب کنند. به نظر می رسد که سیاستمداران عراقی هم بیش از هر زمان دیگری تمایل دارند تا با ایالات متحده آمریکا مامشات کنند. دولت عراق توسط محمد شیخ السودانی و چارچوب هماهنگی رهبری می شود که از متحدان نزدیک ایران هستند اما سودانی اواخر ماه ژانویه سه امتیاز مهم به مقام های آمریکایی داد: نخست توقف اجرای حکم بازداشت دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا برای فرمان ترور فرماندهان مقاومت در بغداد در دور نخست ریاست جمهوری اش، دوم موافقت با آزادی البرزایت تسورکف، پژوهشگر دانشگاه پرینستون که توسط کتائب حزب الله، گروه شبه نظامی تحت حمایت ایران بازداشت شده بود و سوم تصویب متمم بودجه ای که مدت ها بود توسط کردها، که نزدیکترین متحدان ترامپ هستند، درخواست شده بود. این امتیازها نشان می دهد که متحدان ایران در عراق احساس آسیب پذیری می کنند.

واشنگتن باید از این وضعیت کمال بهره برداری را بکند و به شکل دائمی میزبان کنترل ایران را در عراق کاهش دهد. البته این کار نباید از طریق اقدام گسترده نظامی انجام شود، بلکه باید از طریق دیپلماسی سختگیرانه، تهدید تحریم و همکاری اطلاعاتی انجام شود. چنین اقداماتی ایران را از یک منبع حیاتی مالی محروم می کند و به ایالات متحده آمریکا در هر مذاکره ای با ایران یک اهرم قدرتمند می دهد. از همه مهم تر اینکه این اقدامات حکمرانی بهتری را برای مردم عراق به ارمان می آورد که برای مدت طولانی تحت سلطه ایران با مشکلات متعددی مواجه بوده اند.

نگاه آمریکایی



عسکری: President

محمد صالح صدقیان تحلیل گر مسائل عراق در گفتگو با «هم میهن»:

مردم عراق اجازه نمی دهند دولت شان علیه منافع ایران اقدام کند

نگاه عراقی

مسائل عراق گفت و گو کردیم. صدقیان معتقد است که گروهی در عراق وجود ندارد که توانایی کسب اکثریت کرسی های پارلمان را داشته باشد تا آمریکایی ها بتوانند برای تغییر سیاست بغداد نسبت به تهران روی آن تکیه کنند. در ادامه متن کامل گفت و گوی «هم میهن» را با محمد صالح صدقیان، تحلیل گر مسائل عراق مطالعه می کنید.

شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی



همزمان با ازسرگیری کارزار فشار حداکثری علیه ایران، دولت دونالد ترامپ فشار را بر دولت عراق برای کاهش روابط با ایران تشدید کرده است. از جمله اینکه دولت آمریکا اعلام کرد که معافیت تحریمی عراق برای خرید برق از ایران را تمدید نخواهد کرد. به نظر می رسد که هدف نهایی واشنگتن قطع روابط دوستانه ایران و دولت عراق باشد. فکر می کنید واکنش مقام های عراقی به خواست آمریکا برای کاهش نفوذ ایران در عراق چه خواهد بود؟

اول باید دقت کنید که این سیاست فشار حداکثری، فقط به ایران وارد نمی شود، بلکه به کل مناطقی که شیعیان در آن زندگی می کنند، وارد می شود. در ظاهر گفته می شود که فشار حداکثری علیه ایران است، اما واقعیت این است که سیاست فشار حداکثری علیه شیعیان است؛ در لبنان، در سوریه، در عراق، در یمن و در ایران در چارچوب تحریم ها به شیعیان فشار وارد می شود. عدم تمدید معافیت تحریمی برای صادرات برق ایران به عراق،

به معنی افزایش فشار بر دولت عراق است که در اختیار شیعیان قرار دارد. واقعیت این است که این فشارها، انتقام همبستگی و ایستادگی شیعیان در سراسر منطقه در کنار مردم غزه در مقابل اسرائیل است. هم در جنوب لبنان، هم حشد الشعبی در عراق و هم انصارالله در یمن به علاوه جمهوری اسلامی ایران، تلاش کردند تا از مردم غزه حمایت کنند.

مسئله برق برای عراق بسیار اهمیت دارد. در حال حاضر تنها کشوری که برای تامین برق می تواند به عراق کمک کند، جمهوری اسلامی ایران است. حتی در دوره نخست ریاست جمهوری دونالد ترامپ، در سفر مایک پمپئو، وزیر خارجه وقت آمریکا به عراق، از دولت وقت عراق خواسته شد که به دنبال جایگزینی برای ایران برای تامین برق و گاز باشند. آن زمان هم عراق نتوانست جایگزینی پیدا کند، نه ترکیه و نه کشورهای همجوار عربی عراق چه از لحاظ اتصال شبکه برق و چه از نظر انرژی مازاد بر نیاز برای صادرات به عراق، امکان نداشتند. اگر خواست آمریکا اجرایی شود و صادرات برق ایران به عراق متوقف شود، مشکلات بسیار زیادی برای شهروندان عراقی ایجاد می شود. به تدریج فصل گرما شروع می شود و در فصل بهار نیاز به برق به شدت روند تصاعدی پیدا می کند. جالب اینجاست که گرم ترین نقاط عراق، که دقیقاً مصرف کننده برق صادراتی ایران هم هستند، ۹ استان شیعه نشین جنوب عراق هستند. اخیراً اردن اندکی برق به استان الانبار عراق صادر می کند، که خب آن منطقه در غرب عراق منطقه ای سنی نشین است. در واقع همین جا هم می بینیم که هدف فشار حداکثری مستقیماً شیعیان هستند، وگرنه صادرات برق از سوی اردن به مناطق سنی نشین برای آمریکا هیچ مشکلی ایجاد نمی کند، اما هم شیعیان ایران و هم شیعیان عراق باید تحت فشار بیشتر قرار بگیرند، یعنی عراقی ها از برق محروم شوند و ایرانی ها از درآمدهای صادراتی. در نتیجه همانگونه که عرض کردم، کارزار فشار حداکثری، فقط روی جمهوری اسلامی ایران نیست، بلکه روی شیعیان عراقی و دولت عراق هم وارد می شود. دولت عراق در منطقه متحد ایران شناخته می شود. وگرنه پیش بینی ها حاکی از این است که در انتخابات پاییز سال آینده عراق آمریکا چندان تمایلی ندارد که بار دیگر جریان اطوار تنسیقی (چارچوب هماهنگی شیعیان عراق) و نامزد مورد حمایت آنها قدرت را در اختیار بگیرد. پیش بینی شما از انتخابات آینده عراق چیست؟ آیا رقیب جدی برای